

شهید مهدی باکری در سال 1333 در شهرستان میاندوآب در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد

وی در دوران کودکی، مادرش را از دست داد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در ارومیه به پایان رساند و در دوره دبیرستان (همزمان با شهادت برادرش علی باکری به دست دژخیمان ساواک) وارد جریانات سیاسی شد

مهدی باکری در طول فعالیت‌های سیاسی خود (طبق اسناد محرمانه بدست آمده) از طرف سازمان امنیت آذربایجان شرقی (ساواک) تحت کنترل و مراقبت بود. پس از هدی باکری در طول فعالیت‌های سیاسی خود (طبق اسناد محرمانه بدست آمده) از طرف سازمان امنیت آذربایجان شرقی (ساواک) تحت کنترل و مراقبت بود. پس از مدتی حمید را برای برقراری ارتباط با سایر مبارزان، به خارج از کشور فرستاد تا در ارسال سلاح گرم برای مبارزین داخل کشور فعال شود. مهدی باکری در مدت مسئولیتش به عنوان فرمانده عملیات سپاه ارومیه تلاش‌های گسترده‌ای را در برقراری امنیت و پاکسازی منطقه از لوٹ وجود وابستگاه و مزدوران شرق و غرب انجام داد و بهرغم فعالیت‌های شبانه‌روزی در مسئولیت‌های مختلف، پس از شروع جنگ تحمیلی، تکلیف خویش را در جهاد با کفار بعثی و متجاوزین به میهن اسلامی دید و راهی جبهه‌ها شد

با عنوان معاون تیپ نجف اشرف در کسب پیروزی‌ها مهدی باکری با استعداد و دلسوزی فراوان خود توانست در **عملیات فتح‌المبین** موثر باشد. در این عملیات یکی از گردانها در محاصره قرار گرفته بود، که ایشان به همراه تعدادی نیرو، با شجاعت و تدبیر بی‌نظیر آنان را از محاصره بیرون آورد

با همان عنوان () در همین عملیات در منطقه رقابیه از ناحیه چشم مجروح شد و به فاصله کمتر از یک ماه در **عملیات بیت‌المقدس** شرکت کرد و شاهد پیروزی لشکریان اسلام بر متجاوزین بعثی بود. در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس از ناحیه کمر زخمی شد و با وجود جراحتهایی که داشت در مرحله سوم عملیات، به قرارگاه فرماندهی رفت تا برادران بسیجی را از پشت بی‌سیم هدایت کند

با عنوان معاون تیپ نجف اشرف در کسب پیروزی‌ها مهدی باکری با استعداد و دلسوزی فراوان خود توانست در **عملیات فتح‌المبین** موثر باشد. در این عملیات یکی از گردانها در محاصره قرار گرفته بود، که ایشان به همراه تعدادی نیرو، با شجاعت و تدبیر بی‌نظیر آنان را از محاصره بیرون آورد

با همان عنوان () در همین عملیات در منطقه رقابیه از ناحیه چشم مجروح شد و به فاصله کمتر از یک ماه در **عملیات بیت‌المقدس** شرکت کرد و شاهد پیروزی لشکریان اسلام بر متجاوزین بعثی بود. در مرحله دوم عملیات

نحوه شهادت:

بعد از شهادت برادرش حمید و برخی از یارانش، روح در کالبد ناآرامش قرار نداشت و معلوم بود که به زودی به جمع آنان خواهد پیوست. خواسته بود که خداوند توفیق شهادت (پانزده روز قبل از عملیات بدر به مشهد مقدس مشرف شد و با تضرع از آقا علی بن موسی الرضا (ع) را نصیبش نماید. سپس خدمت حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رسید و با گریه و اصرار و التماس درخواست کرد که برای شهادتش دعا کنند

این فرمانده دل‌آور در عملیات بدر در تاریخ 63/11/25، به خاطر شرایط حساس عملیات، طبق معمول، به خطرناکترین صحنه‌های کارزار وارد شد و در حالی که رزمندگان لشکر را در شرق دجله از نزدیک هدایت می‌کرد، تلاش می‌نمود تا مواضع تصرف شده را در مقابل پاتکهای دشمن تثبیت نماید، که در نبردی دلیرانه، بر اثر اصابت تیر مستقیم مزدوران عراقی، ندای حق را لبیک گفت و به لقای معشوق نایل گردید

خاطرات: شهید باکری، پاسدار نمونه، فرماندهی فداکار و ایثارگر، خدمتگزاری صادق، صمیمی، مخلص و عاشق حضرت امام . خمینی (رحمت الله علیه) و انقلاب اسلامی بود. با تمام وجود خود را پیرو خط امام می‌دانست و سعی می‌کرد زندگی‌اش را بر اساس رحمت الله علیه (گوش می‌داد، آنها را می‌نوشت و در) رهنمودها و فرمایشات آن بزرگوار تنظیم نماید، با دقت به سخنان حضرت امام معروض دید خود قرار می‌داد و آنقدر به این امر حساسیت داشت که به خانواده‌اش سفارش کرده بود که سخنرانی آن حضرت را ضبط کنند او معت. و اگر موفق نشدند، متن صحبت را از طریق روزنامه بدست آورند

و معتقد بود سخنان امام الهام گرفته از آیات الهی است، باید جلو چشمان ما باشد تا همیشه آنها را ببینیم و از یاد نبریم
شهید باکری از انسانهای وارسته و خودساخته‌ای بود که با فراهم بودن زمینه‌های مساعد، به مظاهر مادی دنیا و لذایذ آن پشت پا زده من میرم بیرون . گفتیم : «توی این هوا کجا » : زمانی که آقای مهدی شهردار ارومیه بودند روزی باران خیلی تند می آمد بهم گفت بود اصرار کردم . بالاخره گفت : « می خوام بدونی پاشو توهم بیا . » با لنور شهرداری راه افتادیم تو شهر . می خوامی بری » جواب نداد

نزدیکیهای فرودگاه یک حلبی آباد بود. رفتیم آنجا. توی کوچه پس کوچه هایش پر از آب و گل و شل. آب وسط کوچه صاف می رفت توی یکی از خانه ها. در خانه را که زد پیرمردی آمد دم در. ما را که دید شروع کرد به بدو بیراه گفتن به شهردار. می گفت: «آخه این چه خیلی خب پدر جان. اشکال نداره. شما یه بیل به ما بده.» شهرداریه که ما داریم نمی یاد یه سری بهمون بزنه ببینه چه میکشیم.» پیرمرد گفت: «برید بابا شما هم بیلم کجا بود.» از یکی از همسایه ها بیل گرفتیم. تا نزدیکی های اذان صبح توی «درستش می کنیم. کوچه آبراه می کننیم»

شهید باکری از نگاه:

حضرت امام خمینی (ره) بعد از شهادت مهدی فرموده است

خداوند شهید اسلام (مهدی باکری) را رحمت کند

وصیتنامه بنده گناهکار مهدی باکری:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا الله یا محمد (ص) یا علی (ع) یا فاطمه زهرا (س) یا حسن (ع) یا حسین (ع) یا علی (ع) یا محمد (ع) یا جعفر (ع) یا موسی (ع) یا علی (ع) یا محمد (ع) یا علی (ع) یا حسن (ع) یا حجة (عج) و شما ای ولی مان یا روح الله و شما ای پیروان صادق امام یا شهیدان خدایا چگونه وصیت نامه بنویسم در حالیکه سراپا گناه و معصیت، سراپا تقصیر و نا فرمانی ام. گرچه از رحمت و بخشش تو نا امید نیستم ولی ترسم از این است که نیامرزیده از دنیا بروم. می ترسم رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم یا رب العفو، خدایا منیرم در حالیکه از من راضی نباشی. ای وای که سیه روز خواهم بود. خدایا که چقدر دوست داشتی و پرستیدنی خدایا قبولم کن. یا ابا عبدالله. خون باید میشد و در رگهایم جریان می یافت و سلول هایم یا رب یا رب می گفت. هستی. هیئات که نفهمیدم شفاعت

آه چقدر لذت بخش است انسان آماده باشد برای دیدار ربش، ولی چه کنم تهیدستم، خدایا قبولم کن سلام بر روح خدا نجات دهنده ما از منجلا ب عصر حاضر. عصر ظلم و ستم عصر کفر و الحاد، عصر مظلومیت اسلام و پیروان واقعی اش

عزیزانم اگر شبانه روز شکرگزار خدا باشیم که نعمت اسلام و امام را به ما عنایت فرموده باز کم است آگاه باشیم که سرباز راستین و صادق این نعمت شویم. خطر ویوسه های درونی و دنیا فریبی را شناخته و برحذر باشیم که صدق نیت و خلوص در عمل تنها چاره ساز ماست. ای عاشقان ابا عبدالله، بایستی شهادت را در آغوش گرفت، گونه ها بایستی از حرارت و شوق سرخ شود و ضربان قلب تندتر بزند. بایستی محتوای فرامین امام را درک و عمل نمائیم تا بلکه قدری از تکلیف خود را در شکرگزاری بجا آورده باشیم

وصیت به مادر و خواهران و برادرهایم و فامیل هایم که بدانید اسلام تنها راه نجات و سعادت ماست. به یاد خدا باشید و فرامین خدا را عمل کنید. پشتیبان و از ته قلب مقلد امام باشید. اهمیت زیاد به نماز و دعاها و مجالس یاد ابا عبدالله و شهدا بدهید که راه سعادت و توشه آخرت است

همواره تربیت حسینی و زینبی بیابید و رسالت آنها را رسالت خود بدانید و فرزندان خود را نیز همانگونه تربیت بدهید که سربازانی با ایمان و عاشق شهادت و علمدارانی صالح، وارث حضرت ابوالفضل، برای اسلام بیار آید از همه کسانی که از من رنجیده اند و حق بر گردنم دارند طلب بخشش دارم و امیدوارم خداوند مرا با گناه های بسیار بیامرزد



خدایا من را پاکیزه بپذیر {مهدی باکری}